

نظر اسلام در باره ازدواج

بهرین راه قضاوت در ادیان مختلف و نمودهای فکر بشرخواه، بررسی قوانین و دستورات آنها و رسیدگی باینکه ادیان و افکار بشر تا چه حدودی مطابق فطرت و تقاضای آن می باشد فچه مقدار باحتیاجات گوناگون فردی و اجتماعی جامعه های انسانی، پاسخ مثبت داده، قابل عمل و پیاده شدن در خارج می باشد.

یک سیر اجمالی در قوانین آیین اسلام بهخصوص در قوانین اجتماعی آن و مقایسه آن با سایر ادیان موجود و نمودهای فکر بشر از مراحل ابتدائی تا مراحل کنونی بخوبی ثابت می کند که مکتب حقوقی اسلام بهترین مکتبی است که می تواند دنیارا بهتر اداره کند و باحتیاجات طبیعی انسانها پاسخ صحیح بدهد از جمله قوانین مترقی اسلام که تغیر آن بطور تحقیق درهیچ یک از ادیان و سایر مکتب های حقوقی دنیا دیده نمی شود، مسائل مر بوط بازدواج و تشکیل خانواده است، در دو شماره قبل، از وضع ناسامان ازدواج در عصر کنونی و خطیری که از ناحیه عدم علاقه جوانان به تشکیل خانواده، جامعه هارا تهدید می کند، سختی بیان آوردیم، اینک لازمست نظر اسلام را راجع بازدواج در شرائط و حالات مختلف زندگی انسان ذکر و سپس نظر کلیسا و روش کشیشان مسیحی و بالاخره دنیای مسیحیت را که در نطقه مقابل نظر واقع بینانه اسلام قرار دارد بیان کنیم:

اسلام در تشکیل خانواده پیاکی و دین داری و پرهیز کاری و سایر صفات نیک انسانی زن و مرد و خانواده آنها توجه بیشتری مبذول داشته و سایر صفات از قبیل ثروتمند بودن دختر و پسر و زیبائی آنها و... نظر خاصی نینداخته است.

از این رو احادیثی در کتب معتبر حدیث وارد است که اگر دختری زیبا بوده اما فاقد کمالات نفسانی و فضائل اخلاقی و دینی باشد، اسلام تشکیل خانواده را با چنین دختری شایسته نمی داند؛ بطور کلی چندسته روايات معتبر از پیشوایان مذهبی اسلام در کتب معتبر نقل شده است که دقیقت در آنها نظر اسلام را راجع بمسأله ازدواج روش می سازد، هماین روايات با وجود اختلاف

در تغییر یک هدف عالی را دنبال می کنند و آن ترغیب مردم بازدواج و تشکیل خانواده است:

- ۱- دسته ای از روایات ازدواج را یکی از ازار کان دین معرفی می کند چنان که امام باقر (ع) نقل شده: «**ما بانی بناء فی الاسلام احب الی الله عزوجل من التزویج**» (۱)،

یعنی: «**هیچ اساس و بنیانی در اسلام فزد خداوند محبو بتر از اساس زناشویی نیست.**»

آرای این جمله امام (ع) به تنهائی کافیست که اهمیت زناشویی و تشکیل خانواده را که هسته اصلی اجتماع بزرگ بشمارمیرود ثابت کند.

- ۲- دسته ای دیگر از روایات صحیح تشکیل خانواده را سنت پیغمبر دانسته و بقاء نسل و تربیت فرزندان صالح را که در واقع هدف نهایی ازدواج می باشد، از جمله مواردی می داند که پیغمبر بان فخر و مبارک است.

علی (ع) می فرماید: «ازدواج کنید زیرا ازدواج سنت رسول اکرم (ص) است چنانکه خود آنحضرت می فرمود: هر کسی که دوست دارد از سنت من پیر وی کند، ازدواج کرده خانواده تشکیل دهد زیرا یکی از سنت های من تشکیل خانواده است، ازدواج کنید تاجمعیت شما زیاد شود زیرا من در روز قیامت بزیادی جمیعت مسلمانها در میان امت های دیگر غیر اسلامی مبارک است (۲)».

و در بعضی دیگر از روایات هدف اصلی از ازدواج را چنین بیان می کند: «امام باقر از رسول اکرم (ص) نقل می کند: هیچ عاملی نباید افراد با ایمان را از ازدواج منع کند تا شاید خداوند در نتیجه ازدواج فرزندی بوی عطا کند که عبادات خدا را بجای آورد» (۳).

- ۳- یک سلسله از روایات از پیشوایان اسلام وارد است که زناشویی را بعنوان حافظ دین معرفی می کند که با اشباع معتقدل قوای جنسی، خطرات وزیانهای فردی و اجتماعی را که از فاحش طغیان نیروی جنسی ممکن است متوجه فرد و جامعه شود، بر طرف می سازد.

رسول اکرم (ص) فرمود: «من تزوج احرز نصف دینه» (۴) یعنی کسی که ازدواج کند نصف دین خود را حفظ کرده است.

(۱) وسائل الشیعه ج ۱۴ باب اول حدیث ۴

(۲) وسائل الشیعه ج ۱۴ باب ۱ حدیث ۶

(۳) وسائل الشیعه ج ۱۴ باب ۱ حدیث ۳

(۴) وسائل الشیعه ج ۱۴ باب ۱ حدیث ۱۱

در مقابل این روایات که انسان‌هارا تشکیل خانواده تشویق و ترغیب نموده روایات دیگری نیز وجود دارد که عدم تشکیل خانواده را موردمذمت و نکوهش قرارداده و کسانیکه از غربیز جنسی خود بهره برداری صحیح ننمایند و بیها نهای غیر عقلائی از ناموس طبیعی ازدواج سپیچی کنند موردمذمت قرارداده است.

اسلام نماز و سایر عبادات کسی را که ازدواج کرده و محیط‌گرم خانوادگی بوجود آورده است، بر تراز عبادت کسی می‌داند که ازدواج نکرده است، رسول اکرم (ص) فرمود: دور کمتر نماز که شخص ازدواج کرده بجای آورد بهتر است از عبادت کسیکه قوای جنسی خود را تحت فشار قرارداده شبهارا بعبادت خداوند پردازد و روزهارا روزه بگیرد^(۱).

از آنجاکه ممکن است جوانانی که بحدرشد مسیده قوای جنسی از سراسر وجود آنان شغله می‌کشد فضائل اخلاقی و سلامت فرد و اجتماع را زیر پا گذارده، خواهناخواه بسوی فساد و بد-بختی کشیده شوند، اسلام برای ای پیش گیری از این مرض مهم فردی و اجتماعی دستوراً کیفی صادر می‌کند که زودتر این غربیزه را از طریق ازدواج اشباع کنند و کسی را که تحت فشار قوای ای شهوت قرار گرفته با این حال بفکر ازدواج فیقتدا بین وسیله قوای سرکش را آرام سازد، سخت موردنکوهش قرارداده واورا اهل آتش می‌داند، امام باقر (ع) از رسول اکرم (ص) چنین نقل می‌کند: «اکثر اهل النار العذاب^(۲)» (۱) یعنی: بیشتر کسانی که بدو زخمی روند، افرادی هستند که ازدواج نکرده‌اند^(۳).

و نیز پیغمبر گرامی می‌فرماید: «پست ترین مردھای شما را افراد ازدواج-

نکرده تشکیل می‌دهند»^(۴)

چنان‌که ملاحظه می‌فرمایید اسلام هر گونه فکر انحرافی خودداری از تشکیل خانواده را محکوم می‌سازد و هر گونه قانون و عادات اجتماعی را که منجر بضایع ساختن قوای جنسی باشد مردود میداند، و در نتیجه وضع تمدن فلی و قانونهای غیر طبیعی امروزی و آزادیهای مطلق و بی‌بند و باری را که نتیجه ای جز رکود فکر ازدواج در جوانها ندارد، مطابق تقاضای فطرت و ساختمان آفرینش انسان نمی‌داند.

از بعضی از روایات استفاده می‌شود که در عربستان هنگام طلوع اسلام افراد جاهلی بودند که به بیانه نبود مخارج ازدواج و یا عدم کفای آن و یا بعلت ترس‌های بیمورد از فقر و فشار

(۱) وسائل الشیعه ج ۱۴ باب ۲ حدیث ۲-۱

(۲) د د د د د د ۷

(۳) د د د د د د ۳

اقتصادی خانواده در آینده، از تشكیل خانواده روی می گرددند ، پیغمبر اکرم (ص) بمحض اطلاع از چنین دراججتماعی که ممکن بود با سایرین نیز سایت کند موقع اقدام و آن مرض را دیشه کن فرمود. امام باقر (ع) از پدر بزرگوار خود از پیغمبر اکرم (ص) چنین نقل می کند : کسی که بجهت ترس از فقر و فاقه ازدواج نکند نسبت بخداوند گمان بدگرد است با اینکه خداوند در قرآن مجیدی فرماید: اگر شما فقیر و نادر باشید خداوند از فضل خود شمارا بی نیاز و ثروتمند میسازد «(۱)».

اسلام نه تنها ، نداشت نیاز کافی رامانع اقدام بشکیل خانواده نمی داند بلکه ازدواج را موجب زیادی رزق و گشايش مشکل فقر و فاقه می داند چنانکه رسول اکرم (ص) می فرماید: «اتخذوا الاهل فانه ارزق لكم» (۲) : یعنی تن بازدواج دهید و تأهل اختیار کنید زیرا ازدواج روزی شمارا بیشتر می کند و نیز امام ششم فرمود: ... الرزق مع النساء و العیال «(۳)» : یعنی بازدواج ، ثروت و روزی بانسان روی می آورد .

راستی این جمله امام (ع) چناندازه پر معنی است زیرا واضح است که غالباً فعالیت و تکاپوی کسانی که مسئولیت های خانوادگی را قبول کرده و عده دیگری را تحقیق کفالت خود در آورده اند خواه ناخواه چندبرابر می شود و قوای فکری وی نیز برای ایجاد زندگی بهتر افراد خانواده ، بیش از حالت تجرد بکار می افتد و در نتیجه رزق و روزی و درآمد خانواده نیز زیاد می شود .

سخت گیری کلیسا در مسئله ازدواج

روش کلیسا در مسئله طبیعی تشكیل خانواده درست در نقطه مقابل اسلام قرار دارد. همان اندازه که اسلام بازدواج اهمیت داده و بوسائل مختلف در تشكیل خانواده و حفظ آن از خطرات می کوشد ، بهمان اندازه کلیسا در امر ازدواج سختگیر بوده و بوسائل گوناگون از تشكیل آن جلوگیری می کند .

کشیشان اولیه مسیحی اگر خیلی نسبت بازدواج گذشت و ابراز خوشبینی می کردد ، آنرا یک بلای لازم میدانند .

«ساموئیل کینگ» دانشمند جامعه شناس معروف در کتاب خود «جامعه شناسی» می گوید :

«پل پیشوای بزرگ مسیحیان بهیچ روزی نسبت بازدواج خوبشین نبود و تنها از این لحاظ

(۱) وسائل الشیعه ج ۱۴ باب ۱۰ حدیث ۲-۴

(۲) ۳ ۵ ۷ ۹ ۱۱

(۳) ۱ ۳ ۵ ۷ ۹

با ازدواج موافقت می کرد که بقول خودش : «ازدواج بهتر از سوزانیدن است» . این روحانی بزرگی که خود یکی از از کان بزرگ کلیسا است هرگز نگرفت ، روش مخالف وی نسبت بازدواج و روابط جنسی اثربعیقی در رفتار و طرز فکر کلیسا در آینده نسبت باین مسائل پخشید و بمنور زمان با اشاعه ریاضت در میان مسیحیان بیش از پیش تقویت گردید بطوریکه تجرد بمنزله کار مطلوبی تلقی شد و ازدواج بمنزله کار مکروهی نمایان گردید .

رهبران فعلی جهان مسیحیت نیز سنت نادرست کشیشان گذشتند کار مطلوبی تلقی کرده وجود آرازش آنها پیروی می کنند چنانکه اخیراً کنگره بزرگی از رهبران کاتولیک ها در واتیکان تشکیل گردید و در آن مسألة آزادی ازدواج و عواقب و خیم سخت گیری پیمورد کلیسا را جمع بمسأله ازدواج مورد مذاکره قرار گرفت ولی متأسفانه بعد از مذاکرات مفصل تصویب کردند که مسألة ازدواج مثل سابق امری مکروه بوده و کلیسا نسبت بازدواج داشته باشد !

بدیهی است این طرز تفکر نادرست کلیسا نسبت بازدواج داشته و ندانسته در اشاعه فحشا و مفاسد ناشی از طفیلان غریزه جنسی در دنیای مسیحیت چه اندازه مؤثر است ؟ ! زیرا غریزه جنسی مثل سایر احتياجات زندگی باید حربیان پیدا کنند و چنانچه در مسیر طبیعی آن موانعی ایجاد شود و بحد طبیعی اشاع شود بصورت انحرافات جنسی که منشأ بسیاری از مفاسد فحشا می باشد ظاهر می گردد و بدین ترتیب ارباب کلیسا مسئول قسمتی از انحرافات جنسی و در نتیجه بسیاری از بد بختی های اجتماعی دنیای مسیحیت می باشد .

از این و عده زیادی از دانشمندان جامعه شناس مسیحی نیز از روشن مخالفت کشیشان کاتولیک با ازدواج و عواقب و خیم و ناپسند آن برای دنیای مسیحیت اتفاق دارد و اظهار نگرانی نموده اند از جمله «گورسل» در کتاب خود (مسائل خانواده) می نویسد : «هر گاه پل بجای آنکه تا پایان عمر مجرد بماند زن خوبی می گرفت ، رهبران جهان مسیحیت که بعد از وی آمدند بدون شبیه روش ملایمتری نسبت بازدواج نشان می دادند » .

همین روش نادرست کشیشان کاتولیک سبب شد که در افکار حسن حقارت بطور کلی نسبت بخنس زن پدید آمد ، زن بعنوان مسئول پیدایش معصیت در جهان بشمار میرفت و بتدریج بمنزله اغواه کننده بفساد تلقی شد !

اگرچه پرستانها که تعلیمات انجیل را راهنمای زندگی خود قرار دادند تغییرات عمیقی در افکار مربوط بازدواج پدید آوردن و لی با وجود این ارتباط جنسی راجز برای تولید مثل امری مکروه و جلوگیری از آن را یکی از هدفهای اساسی خود قراردادند «(۱)» .